

دنیای

قصه های شیرین مادر بزرگ (۲)

اعظم ابراهیمی

خوش‌نژاد، اعظم، ۱۳۶۳ -

دنیای قصه‌های شیرین مادر بزرگ (۲) / اعظم خوش‌نژاد، اعظم ابراهیمی. - قم: گرگان، ۱۳۹۰. ۷۹ ص.

ISBN: 978-964-7225-91-5

۱۴۰۰۰: ریال

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

گروه سنی: ج، د.

۱. داستانهای کودکان - قرن ۱۴. ۲. افسانه‌ها و قصه‌های ایرانی. الف. ابراهیمی، اعظم. ب. عنوان.

۸۶۳/۶۲

PIR ۸۰۴۰ / و ۶۳۴ د ۹

۸۳۶۲۸۸

د ۸۸۹ خ



نام کتاب ..... دنیای قصه‌های شیرین مادر بزرگ (۲)

مؤلف ..... اعظم ابراهیمی

ناشر ..... گرگان

ناشر همکار ..... نیلوفرانه، عبادالرحمن، مثل

سال انتشار ..... ۱۳۹۰

تیراژ ..... ۱۰۰۰

نوبت چاپ ..... اول

چاپخانه ..... بقیع

شابک ..... ۹۷۸-۹۶۴-۷۲۲۵-۹۱-۵

امور فنی ..... کریم اصل روستا

تصویرگر ..... سبا معمر

قیمت ..... ۱۵۰۰ تومان

مراکز پخش: قم، خیابان سمیه، کوچه ۴۰، بن بست اول سمت چپ، پلاک ۱۶

تلفن: ۷۷۴۱۸۳۳

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

## فهرست مطالب

|         |                           |
|---------|---------------------------|
| ۶.....  | مقدمه :                   |
| ۸.....  | ماجرای اسب و گاری عموصالح |
| ۱۴..... | سه عدد لوییای کوچک        |
| ۱۹..... | قالیچه پرنده              |
| ۲۶..... | اسب های وحشی و شیردرنده   |
| ۳۱..... | روباه قرمز و باغ انجور    |
| ۳۵..... | پادشاه شکمو و دخترش       |
| ۴۰..... | جوجه مرغ بازیگوش          |
| ۴۵..... | پیش به سوی دریای آبی بزرگ |
| ۴۹..... | نقشه ای برای گربه         |
| ۵۲..... | گرگ و بره                 |
| ۵۷..... | مورچه و پروانه            |
| ۶۱..... | ماجرای باز شکاری و پادشاه |
| ۶۸..... | باغ زیتون                 |

## مقدمه :

به نام خدا

به نام آفریدگار دانا و توانا و مهربان به نام خداوندی که تا او نخواهد آفتاب، گرمایش را بر زمین احاطه نمی‌کند و باد گیسوی شمشاد را نمی‌جنباند و ستاره در شب مهتابی چشمک نمی‌زند.

خداوندا! انسان را آفریدی تا در عرصه گیتی زندگی کند و به خاطر نعمتهای فراوانی که به او داده ای تو را حمد و ستایش کند. خداوند مهربان است و زیبا و زیبایی به دوست دارد.

خدایا، خداوندا، مهربانا، پروردگارا، آفریدگارا، مهربانم، جان دلم! من تو را دوست دارم؛ چرا که تمام وجودم از آن توست. خدایا! از اینکه به این بنده حقیر توانایی نوشتن دادی سپاسگزارم و تو را شکر می‌کنم که مرا احساس بخشیدی تا حس کنم زیبایی‌ها و نعمتهای فراوان تو را و بعد قلم به دست بگیرم و بنویسم. خدایا! در برابر قدرت و نیروی تو ناتوانم، اگر مرا هدایت نکنی در راه زندگی ناتوان و ناچیز هستم؛ بنابراین همواره حمد و ستایش تو را می‌کنم تا لحظه‌ای که جان در بدن دارم.

قلم را به دست گرفتیم و نوشتیم تا دیگران مثل من هر طور که شایسته پروردگارشان است او را حمد و ستایش کنند؛ چرا که هر چه شکر

نعمتهای خداوند را به جا آوریم با زهم ناچیز است .

خدایا! کودکان پاک و بی آلایش هستند و روح لطیف آنها باعث زیبایی و جلا بخشیدن احساسات آنها شده است . کودکان، ساده هستند و در حین سادگی، روحی لطیف و قابل خدشه دارند؛ بنابراین ما بزرگ ترها همواره باید در تلاش باشیم تا بتوانیم روح لطیف و پُر احساس کودکان را در راه های انسانی و درست پرورش دهیم. آنچه آدمی را از کبریات جدا می کند، علم و دانش و عقل و کمال آدمی است و آدمی با دانش آموختن به این راه دست می یابد. چه بسا پدر و مادرانی که خود در این راه آموختن علم و دانش تلاش می کنند و صاحب فرزندانی با کمالات می شوند، ما نیز باید بتوانیم فرزندان خود را در این راه بهتر یاری کنیم تا آنها بیشتر به این راه روی آورند . کودکان هر چه را که می بینند و می شنوند، یاد می گیرند و اگر ما بتوانیم آنها را از همان آغاز کودکی به خواندن کتاب روی آوریم، کار بزرگی در زندگی آنها کرده ایم .

